فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹٤، صص ۸۷-۱۱۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۶۰۱۰۴

وهابیت و استمرار حاکمیت آل سعود

سید مهدی طاهری[1]
استادیار جامعه المصطفی(ص) العالمیه (نویسنده مسئول)
شجاع احمدوند [2]
دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹٤/۰٦/۱۵ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹٤/۰۹/۱۸**

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

وهابیت نام فرقه‌ای است با رهبری محمد بن عبدالوهاب که پس از اتحاد با محمد بن سعود در سال ۱۷٤٤ میلادی، توانستند با کمک یکدیگر اولین دولت سعودی را در منطقه درعیه تشکیل دهند. پس از این توافق، وهابیت در طول سه قرن گذشته همواره به‌عنوان ستون اصلی مشروعیت آل سعود طی سه دولت این خاندان مطرح بوده است و آل سعود نیز به منظور بهره‌برداری از نفوذ و تأیید علمای وهابی، با گره زدن توسعه‌طلبی سیاسی-ارضی خود به اجرای فتوای ابن عبدالوهاب، سایر نقاط کشور را تسخیر کرد.

طی سه قرن گذشته به‌خصوص در هشت دهه اخیر، آل سعود با کمک وهابیت به‌تدریج بر تمام سرزمین عربستان مسلط شده و با توجه به منافع مشترک و اتحاد طرفین، وهابیت وسیله‌ای برای آل سعود به منظور تداوم قدرت محسوب می‌شود.

مشروعیت‌بخشی رفتارهای آل سعود توسط وهابیت و نقش فتوا در استمرار حاکمیت آل سعود، مسئله مقاله پیش روست که با رویکرد توصیفی تاریخی به آن پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: فتوای وهابیت، قبیله آل سعود و نظام سیاسی در عربستان

1. taheri@miu.ac.ir
2. shojaahmadvand@gmail.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

۱. طرح مسئله

عربستان سعودی به‌عنوان کشوری مهم در منطقه، فضای استراتژیک سیاست خود را از سه حلقه مهم تشکیل داده است: اول: خلیج فارس که قلب و عمق استراتژیک اقلیمی و منطقه‌ای سیاست خارجی سعودی محسوب می‌شود. دوم: دایره عربی که قلب و عمق استراتژیک قومی (عربی) سیاست خارجی این کشور تلقی می‌شود. سوم: عنصر ایدئولوژی که قلب و عمق استراتژیک معنوی و روحی سیاست این کشور را در تقویت وهابیت در داخل و گسترش آن در فراتر از مرزها تشکیل می‌دهد (شیخ‌الاسلامی و سرادر، ۱۳۹۱: ۱۱). شایان ذکر است که رهبران آل سعود با توسل به آیین مذهبی وهابیت، توجیه ایدئولوژیکی فراهم کردند که توضیح‌دهنده چرایی حکومت آنان بوده و این توجیه به‌عنوان منبع اصلی مشروعیت و ادعایشان درباره قدرت به کار رفته و علت اساسی تداوم حاکمیتشان نیز همین اندیشه مذهبی است (میرزائی، حمایتیان و خواجوئی، ۱۳۹۳: ۱٦۷).

با وجود اهمیت دو عنصر اولیه در خارج کشور، نویسنده در این مقاله به نقش وهابیت و استمرار حاکمیت آل سعود با محوریت تفکرات «محمد بن عبدالوهاب بن سلیمان تمیمی نجدی» به‌عنوان پایه‌گذار معنوی وهابیت و تأثیرپذیرفته از تفکرات احمد بن حنبل و ابن تیمیه خواهد پرداخت.

«احمد بن حنبل» امام مذهب چهارم اهل سنت و مهم‌ترین متفکر «مکتب اهل حدیث» است که سخت مخالف عقل بوده و تنها به ظواهر قرآن، حدیث، نقل اخبار و روایات تکیه می‌کرد (شهرستانی،۳٦۱:۱۳۲۱-۳٦۲).

هنگام حمله مغول و سقوط خلافت عباسی که معروف به «عصر بی‌ایمانی مردم به اصول اعتقادی و جدا شدن آنان از شریعت اسلامی» بود،(هوشنگی و پاکتچی،۱۳۹۰: ۱۵۰) ابن تیمیه با کمک شاگردش «ابن قیّم الجوزی» درصدد برآمد تا برای یافتن چارچوبی سخت و نقدناپذیر از خوانش رسمی اسلام اقدام کند که این اقدام مخالفت‌هایی را از سوی علمای اسلامی و عامه مسلمین به همراه داشت.

مهم‌ترین تفکرات ابن تیمیه که با مخالفت دیگران مواجه شد عبارتند از: تأکید بر حجیت ظاهر قرآن و حدیث، منع سوگند به غیر خدا و کافر دانستن معتقدان به این عقاید، بدعت دانستن هر امر نوین و مخالفت کردن با عقل، اعتقاد به رؤیت خداوند در آخرت، بازگشت به

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

سنت پیامبر اکرم(ص) و عمل سلف (صحابه و تابعین)، منع زیارت قبر پیامبر، انبیا و صالحان، منع توسل به پیامبر اکرم(ص)، ائمه(ع) و حرمت شفیع قرار دادن آن‌ها نزد خدا، حکم به قتل کاهلان نماز و احکام، کافر دانستن صوفیه و شیعیان و نامگذاری آن‌ها به‌عنوان «روافض»، ردّ علم شیمی و فلسفه (طاهری،۱۳۹۳: ۱٦٦-۱٦۷).

با توجه به بحران مشروعیت سیاسی اهل سنت در این دوره، ابن تیمیه ضرورت تأسیس حکومت در قالب واحدهای خودمختار وابسته به یک واحد و همچنین پذیرش اصل شوکت/ غلبه (شکل‌گیری حکومت از طریق زور) به منظور توانمندسازی مسلمانان در مقابل مرتدان و مشرکان را مطرح کرد (عبدالحمید،۱۹۹۵: ۳۷۰). در این راستا کاربرد زور در حوزه داخلی را در قالب «امر به معروف و نهی از منکر»، به‌عنوان ابزاری برای اعمال حدود و اجبار مردم به عبادت و در حوزه خارجی نیز در قالب «جهاد» و «قتل کفار» برای حل مشکل تئوریزه کرد (ابن تیمیه،۲۰۰۳: ۹۵).

با پافشاری ابن تیمیه بر عقایدش، علمای مذاهب اربعه اهل سنت در شهرهایی چون دمشق و قاهره با وی به مناظره پرداختند که نتیجه آن صدور حکم علما علیه وی مبنی بر «ارائه فتوای دور از مذاهب اسلامی» بود (ابن کثیر،۱٤۰۷، ۱٤: ۱۳۵). درگذشت او در زندان موجب افول اندیشه وی شد، تا آنکه در قرن ۱۲ ه.ق، محمد بن عبدالوهاب آن افکار را پی گرفت و نظرات ابن تیمیه را که در زمان خودش در حد یک نظریه باقی مانده بود، به مرحله عمل درآورده و با تکفیر مخالفان خود، خون آن‌ها را مباح اعلام کرد.

قابل توجه آنکه یکی از بزرگ‌ترین مخالفان وی، برادرش شیخ «سلیمان» است که در رد سخنان برادرش می‌گوید: «اموری که وهابیان آن را موجب شرک و کفر می‌دانند و آن را بهانه مباح شدن مال و جان مسلمانان می‌پندارند، از هیچ یک از ائمه اسلام شنیده و روایت نشده است که مرتکبان این اعمال را کافر یا مرتد بدانند و دستور جهاد با آنان را داده باشند یا اینکه بلاد مسلمانان را بلاد شرک و دارالکفر نامیده باشند» (جعفری و بهرامی، ۱۳۹۳: ۳۷).

از لحاظ حضور مذاهب مختلف در عربستان هنگام ظهور ابن عبدالوهاب، مردم شرق عربستان شیعه بوده، مردم منطقه عسیر از پیروان مذهب زیدی، اهالی نجد اهل سنت حنبلی، در حجاز اکثریت شافعی، در شمال بیشتر مردم حنفی بودند و همچنین در حجاز برخی مردم معتقد به فرقه‌های صوفیه همچون سنوسیه، ادریسیه، قادریه، گیلانیه و بکتاشیه بودند (فؤاد،۱۹٦۸: ۱۰٤).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

ابن عبدالوهاب با تکیه بر آرای سیاسی ابن تیمیه و به منظور تحقق نگاه دینی خاص خود، با تکفیر گروه‌های مذکور، دست نیاز به سوی حاکمان مختلفی دراز کرد، اما با توجه به مخالفت‌های رؤسای قبایل، شیوخ و علمای شهرهای مختلف از جمله عُیَیْنه، حُرَیْمِلاء، مکه، مدینه، بصره، زبیر و احساءو...، در نهایت برای حفظ جان خود به حاکم «درعیه» پناه برد.

حاکم این شهر «محمد بن سعود» بود که همراهی با وی در جهاد با مخالفان را مشروط به همراهی پس از پیروزی و دریافت غنیمت پس از فتوحات کرد (عبدالفتاح،۱۹۶۹: ۱۳-۱٤). با توافق طرفین و ایجاد اتحاد در سال۱۱۵۷ه.ق/۱۷٤٤م، تقسیم کار بین آن دو صورت گرفت: سِمَت سازماندهی، رهبری نیروها و نصب حاکم برای مناطق به عهده ابن سعود و سِمَت فتوا دادن، قضاوت، نصب قاضی برای مناطق، اجرای حدود، تعزیرات و نظارت بر توزیع بیت‌المال بر عهده ابن عبدالوهاب گذاشته شد (کشیشیان،۲۰۰۳: ۳۹-٤۰). از آنجا که ابن عبدالوهاب متعهد شد که خود، اولاد و پیروانش، پیوسته مدافع و یاور امیر سعودی باشند و تمام نیرو و نفوذ خود را در حمایت از آن خاندان به کار برند، از آن تاریخ به بعد فرزندان و نوادگان وی معروف به «آل شیخ»، پیوسته در خدمت شاهان سعودی بودند.

نفوذ آل سعود و آل شیخ در دولت‌های اول و دوم سعودی (۱۷٤٤- ۱۸۱۹ و ۱۸۱۹ □ ۱۸۹۱) محدود به شهر کوچک درعیه بود، اما با گسترش منطقه قدرت آل سعود به ریاض در سال ۱۹۰۲ توسط عبدالعزیز بن عبدالرحمن و سپس منطقه نجد و الحساء در سال ۱۹۱۳، منطقه عسیر در سال ۱۹۲۲ و در نهایت با فتح حجاز در سال ۱۹۲۵، این هم‌پیمانی و تعامل، عمق و انسجام بیشتری یافت، تا اینکه بالاخره دولت سوم سعودی در سال ۱۹۳۲ توسط عبدالعزیز پا به عرصه وجود نهاد و در این هنگام وهابیت به-عنوان تنها عقیده رسمی اعلام شد. از آن تاریخ به بعد وهابیت به‌عنوان ابزاری برای خاندان آل سعود جهت تداوم قدرت به صورت گسترده به حمایت از رفتارهای آل سعود در عرصه‌های مختلف پرداخته و در این زمینه اکثریت وهابیون درباری برای حفظ جایگاه و امتیازات خود، دست به توجیه اقدامات آل سعود از طریق صدور فتواهای سیاسی می‌زنند.

کارکرد مشروعیت‌بخشی آن‌ها زمانی قابل تأمل است که گاهی ابزار فتوا برای توجیه آن دسته از اعمال دولت که مخالف احساسات عمومی و حساسیت‌های مذهبی است، به کار گرفته می‌شود. از گذشته تا حال آن‌ها همواره در حمایت از آل سعود به توجیه مواضع متناقض

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

خود با شرع ادامه داده؛ به گونه‌ای که به خواننده چنین القا می‌شود که علمای سلفی «اسلام را تحت انقیاد» خواسته‌های خود درآورده‌اند. از این رو هر چه را که موافق هوا و هوس آنان انجام گیرد، مطلوب شرع دانسته و آن را توحید ناب به شمار می‌آورند (مالکی، ۱۳۸٦: ١٦٦).

در این راستا سؤال اصلی مقاله آن است که وهابیت چگونه با فتاوای خود، در مشروعیت‌بخشی رفتارهای آل سعود و استمرار قدرت آن‌ها نقش ایفا کرده است؟

نگارنده برای پاسخ به این سؤال، پس از توضیح چارچوب نظری، به بررسی رویکرد عقیدتی وهابیت در وجوب اطاعت از حاکمان آل سعود و همچنین نمونه‌های تاریخی توجیه رفتارهای حاکمان آل سعود توسط وهابیون از طریق صدور فتوا پرداخته است.

۲. چارچوب نظری

موضوع قدرت از مفاهیمی است که در رشته‌های مختلف از جمله جامعه‌شناسی (قدرت فرد، جامعه و چارچوب قدرت) بحث می‌شود و در سیاست نیز قدرت همچون روحی در کالبد علوم سیاسی جریان دارد؛ تا جایی که به‌عنوان موضوع و محور اصلی علم سیاست، غایت و هدف این علم معرفی شده است.

قدرت سیاسی انواع مختلفی در اداره حکومت دارد که هدف تمامی آن‌ها تداوم/استمرار قدرت از راه‌های گوناگون است و در این خصوص نظریه‌پردازان به ارائه نظریه «علت تداوم یا استمرار قدرت» در رژیم‌های گوناگون پرداخته‌اند که در ادامه به صورت مختصر به آن‌ها اشاره می‌شود.

۲. ۱. علت تداوم قدرت در رژیم‌های دموکراتیک: (طاهری،۱۳۹۳: ۶۵-۶۶)

متفکر	عامل اساسی تداوم قدرت
رابرت دال	سیستم دموکراتیک
لیپست	دموکراسی سیاسی
دو توکویل	جامعه مدنی
پاره تو	گردش نخبگان
دورکهایم	همبستگی اجتماعی
ماکس وبر	سیستم بروکراتیک
جوزف نای	حکمرانی هوشمند

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

رونالد دورکین	حکمرانی قانونی
هابرماس	حکمرانی ارتباطی
هانتینگتون	نوسازی سیاسی

۲. ۲. علت تداوم قدرت در رژیم‌های غیردموکراتیک و استبدادی: (طاهری،۱۳۹۳: ۶۷)

متفکر	عامل اساسی تداوم قدرت
ماکیاول	قدرت مبتنی بر زور
مارکس	سلطه ایدئولوژی و مذهب
والرشتاین	حکمرانی امپریالیستی
گرامشی	حکمرانی ایدئولوژیک
لوسین پای	قدرت نظامی
گوندر فرانک	وابستگی پیرامون به مرکز

۲. ۳. علت تداوم قدرت در رژیم‌های استبدادی عرب: (طاهری،۱۳۹۳: ۶۸)

متفکر	عامل اساسی تداوم قدرت
ابن خلدون	قومیت و ثروت
سمیر امین	اقتصاد رانتی وابسته
مرشایمر	اتحاد استراتژیک با کشورهای بزرگ
فرید زکریا	حکمرانی سنتی مبتنی بر مشروعیت مذهبی
هشام شرابی	حکمرانی ایدئولوژیک
علی وردی	سنت همبستگی و عصبیت عربی
عابد الجابری	ناخودآگاه عربی با تکیه بر عناصر سه‌گانه قبیله، عقیده و غنیمت

۲.٤. علل تداوم قدرت در رژیم‌های استبدادی عرب از دیدگاه محمد عابد الجابری

عابد الجابری در کتاب عقل سیاسی در اسلام، با بررسی نمودها و مشخصه‌های عمل در فرایند سیاست در فرهنگ و تمدن اسلامی، به وجود رابطه‌ای دوسویه میان عقل سیاسی و واقعیت پیرامون آن (تاریخ سیاسی عربی) اشاره می‌کند.

از نظر جابری، «عقل سیاسی» منبع و مرجعی است که چارچوب ناخودآگاه سیاسی را

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

شکل می‌دهد و تشکیل‌دهنده جایگاه این ناخودآگاه در «روان» گروهی است که می‌توان آن را «مخیله اجتماعی» نامید که آثار خود را در عمل و «کنش سیاسی» به منصه ظهور می‌رساند. کنش سیاسی به‌مثابه قدرتی است که در جامعه اعمال می‌شود و نمودهای تئوریک و عملی آن که دارای چهره‌ای اجتماعی‌اند، در نتیجه چیزی را می‌سازند که آن را «عقل سیاسی» می‌نامد (جابری،۱۳۸٤: ۱۷-۲۱).

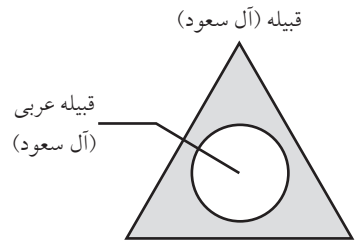
کلیدهایی که جابری برای قرائت عقلانیت سیاسی عربی پیش می‌نهد، بر پایه سه عنصر «قبیله»، «عقیده» و «غنیمت» استوار است:

- قبیله شیوه حکومت مبتنی بر تکیه به قدرت نزدیکان و خویشاوندان به جای توجه به اهل تخصص، توانایی افراد مورد اعتماد مردم و یا نظام برآمده از انتخاب دموکراتیک است؛

- عقیده نمادهایی ذهنی است که پایه‌ریز باورها و ایمان بوده و موجب همبستگی و سیاسی شدن جامعه می‌شود؛

- غنیمت نقش اقتصاد در جوامع بر پایه خراج و رانت (هر گونه درآمد بدون نیاز به تلاش انسان) است (جابری،۱۳۸٤: ۷۱-۷٦).

اگر بخواهیم دیدگاه جابری در خصوص عناصر تداوم قدرت در رژیم‌های استبدادی عرب را در مورد عربستان معاصر تطبیق دهیم، باید گفت که ساختار قدرت در این کشور با برتری قبیله بر سایر عناصر و محوریت قبیله آل سعود است که مهم‌ترین عناصر مرتبط با آن پیوند قبیله آل سعود با عقیده (وهابیت) و اقتصاد رانتی (درآمد نفت و حج) است.



عقیده (وهابیت) غنیمت (درآمدهای ناشی از اماکن مقدس و نفت)

با توجه به اینکه موضوع این مقاله «مشروعیت‌بخشی رفتارهای آل سعود توسط وهابیت و نقش فتوای وهابی در استمرار حاکمیت آل سعود» است، لذا بحث در خصوص جایگاه عنصر

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

قبیله آل سعود و غنیمت در تداوم قدرت رژیم استبدادی عربستان سعودی، مجال دیگری را می‌طلبد. بنابراین در ادامه رویکرد عقیدتی وهابیت در وجوب اطاعت از حاکمان آل سعود و همچنین نمونه‌های تاریخی توجیه رفتارهای حاکمان آل سعود توسط وهابیون مورد بحث قرار می‌گیرد.

۳. وهابیت: از مشروعیت‌بخشی تا انحصار

در عربستان به‌ویژه در نجد، وهابیت همواره از طریق ترویج دکترین ابن تیمیه و ابن عبدالوهاب در خصوص اصل استیلاء (شوکت/غلبه) و شکل‌گیری حکومت از طریق زور به توجیه عقیدتی قدرت خاندان آل سعود پرداخته و در این راستا وهابیت دولتی این فرهنگ را ترویج می‌کند که پادشاه نماینده اراده خدا در قلمرو سیاسی، حامی و مدافع اسلام و حرمین شریفین، مجری حدود اسلام و منشأ خیر و برکت برای مردم بوده و فرمانش لازم‌الاطاعهٔ بوده و قیام علیه حاکم نیز حرام است.

وهابیت در دفاع از ایده خود مستنداتی ارائه می‌کند که در ادامه به صورت مختصر به ذکر دلایل مشروعیت‌بخشی در ایدئولوژی وهابیت و پاسخ به آن‌ها خواهیم پرداخت.

- **قرآن**

وهابیون با تمسک به آیه «یا أیها الذین آمنوا أطیعوا الله و أطیعوا الرسول و أولی الامر منکم» (نساء: ۵۹) می‌گویند: از عمومیت و اطلاق اولی‌الامر استفاده می‌شود که از هر حاکمی (خوب یا بد) باید اطاعت شود و اطاعت از اولوالامر، مقید به ولی امر عادل یا فاجر نشده است. در ضمن این جمله تخصیص نمی‌پذیرد و نمی‌توان گفت منظور حاکم عادل است (الاسئلة و الأجوبه: ۳۲۱).

- **دیدگاه سلف**

– **احمد بن حنبل:** هر کس بر آنان به شمشیر غلبه کند تا خلیفه شود و امیرالمؤمنین نامیده شود، حلال نیست برای کسی که ایمان به خداوند و روز قیامت دارد که بیتوته نماید و او را امام بر خود نداند، او امیر مؤمنان است برّ باشد و یا فاجر (الفراء، ۱۹۶۰: ۲۰).

– **شیخ ابوزهره:** از امام احمد بن حنبل ثابت شده است که می‌گوید: زیر پرچم سلطان با هر عملی که داشته باشد عدالت و یا جور، صبر لازم است و بر امیران نباید به شمشیر خروج

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

کرد، هر چند جائر باشند (أبوزهرة، ۱۹٤۸: ۱۵۵).

– **ابن تیمیه:** اعتقاد به امامت یزید و سایر مروانیان، قبول یک واقعیت تاریخی است، زیرا این اشخاص چه امام و چه خلیفه نامیده شوند و چه سلطان، هر یک در روزگار خود صاحب قدرت و شمشیر بودند و در عمل زمام امور را در اختیار داشتند. اما اینکه آدم خوبی هم بوده‌اند یا نه، مطلب دیگری است و به این اعتبار، انکار امامت یزید یا عبدالملک مروان یا منصور عباسی چنان است که خلافت ابوبکر، عمر و عثمان یا سلطنت کسری و قیصر و نجاشی را منکر باشد (کریم زاده، ۱۳۸۵:۳۱).

- حجّیت عمل صحابه

از آنجا که عمل صحابه برای وهابیون حجیت دارد، موارد متعددی را به‌عنوان شاهد و مؤید دیدگاه خود می‌آورند که برخی از آن‌ها عبارتند از:

– نماز خواندن عبدالله بن مسعود به امامت ولید بن عقبهٔ بن ابی معیط، با اینکه ولید، فردی شرابخوار و لاابالی بود.

– عمل صحابی معروف، عبدالله بن عمر که به امامت حجاج بن یوسف نماز خواند، با اینکه حجاج مردی ظالم و خونخوار بود.

– برخی از صحابه در نماز به ابن ابی عبیده اقتدا می‌کردند، با اینکه به انحراف عقیدتی وی آگاه بودند و او آشکارا مردم را به گمراهی دعوت می‌کرد.

این‌ها خلاصه استدلال وهابیان برای وجوب اطاعت از حاکم (اعم از ظالم یا عادل) است؛ این در حالی است که بسیاری از جریان–های اسلامی حتی از میان اهل سنت نیز این دیدگاه را نپذیرفته و برای رد آن دلایلی دارند که در ادامه به آن اشاره می‌شود:

برداشت وهابیت از قرآن به صورت کلی با برخی از آیاتی که به‌صراحت به این موضوع اشاره می‌کند، منافات دارد از جمله:

– «ولاترکنوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار و مالکم من دون الله من اولیا ثم لاتنصرون»(هود: ۱۱۳)

– «ولا تعاونوا علی ألإثم و العدوان»؛(مائده: ۲)

– «و وصینا الإنسان بوالدیه حسناً و إن جاهداک لتشرک بی ما لیس لک به علم فلا تطعهما» (عنکبوت:۸)

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

– «وَ لا تُطیعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفینَ الَّذینَ یُفْسِدُونَ فِی الْأَرْضِ وَ لا یُلِحُونَ» (شعراء: ۱۵۱–۱۵۲)
– «وَ لا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنا قَلْبَهُ عَنْ ذِکْرِنا وَ اتَّبَعَ هَواه» (کهف: ۲۸)

این آیات، قیدهای واضحی بر آیه اولی‌الامرند که اگر از مفسدان و ظالمان تبعیت کنیم، اطاعت اهل معصیت کرده‌ایم. همچنین در بحث سنت پیامبر و احادیث ایشان نیز باید یادآوری کرد که از اطاعت مخلوق گناهکار نهی شده است: «لا طاعهٔ لمخلوق فی معصیهٔ الخالق» (فیض‌الاسلام، ۱۳۸۵:حکمت ۱۵۶).

علاوه بر آن حتی خلفای اهل سنت نیز این موضوع را مورد نهی قرار دادند که از جمله آن‌ها عبارتند از:

– **خلیفه اول:** تا وقتی من در میان شما از خدا و پیامبر اطاعت می‌کنم از من اطاعت کنید و هر گاه معصیت نمایم، اطاعتی برای من بر شما نخواهد بود (ابن هشام، ۱۳۵۵، ٤: ۳٤۱).

– از خلیفه اول نقل شده که رسول خدا(ص) می‌فرمود: «هر گاه مردم ظالمی را ببینند و دو دست او را نبندند، نزدیک است که خداوند عذاب خود را به آنان تعمیم دهد» (الترمذی، ۱٤۲٦، کتاب الفتن:ح ۲۰۹٤).

– **خلیفه دوم:** «دوست داشتم من و شما در عمق دریا بودیم و دریا ما را به سمت مشرق و مغرب می‌برد، هرگز مردم از اینکه مردی از خودشان را به‌عنوان حاکم برگزینند، عاجز نیستند، که هر گاه استقامت داشت از او پیروی کنند، و اگر(از حق) مایل شد او را بکشند، طلحه گفت: چرا نگفتی، هر گاه کجی برای او حال شد او را عزل می‌کنند، عمر گفت: کشتن برای کسی که بعد از او می‌آید بازدارنده‌تر است» (المعتزلی، ۱۹۹۸، جزء ۱۲: ۵۳).

شایان ذکر است که در این زمینه فقهای اهل سنت غیر از حنابله نیز دیدگاه متفاوتی با رویکرد وهابیت داشتند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

– **ابن حزم اندلسی:** او امامی است که اطاعت از او واجب است تا وقتی مردم را به کتاب خداوند و سنت پیامبر فراخواند، و اگر نسبت به یکی از این دو منحرف شود، جلو انحراف او گرفته می‌شود و بر او اجرای حد می‌شود و اگر از اذیت او ایمنی حاصل نشود مگر به خلعش، خلع می‌شود و دیگری در ولایت جایگزین او می‌شود (ابن حزم، ۱۳۸۸، ٤: ۱۷٦).

– **ماوردی:** «آنچه موجب تغییر حالت امام می‌شود و او را از امامت بیرون می‌برد، دو چیز است: اولی خارج شدن امام از عدالت و دومی نقص در بدن» (الماوردی، ۱۹٦۰: ۱۷).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

– **زمخشری:** «خدا و رسولش از حاکمان جور بیزارند، بنابراین در وجوب اطاعت (در آیه اولوالامر) عطف بر خدا و رسول خدا نخواهند بود» (الزمخشری، بی تا، ۱: ٤٠٥).

– **بیضاوی:** «خداوند مردم را امر به اطاعت از آنان نموده پس از آنکه آنان را امر به عدالت نموده، به جهت تنبیه بر اینکه وجوب اطاعت از آنان تا وقتی است که آنان بر حق باشند» (البیضاوی، ١٤٢٩، ١: ٢٢٠).

– **رازی:** «ظالمان، امین بر دستورات الهی نیستند و نمی‌توانند مقتدای مردم باشند، بنابراین ائمه دین نخواهند بود، و به دلالت آیه (لاینال عهدی الظالمین) بطلان امامت فاسق ثابت است» (الرازی، ١٩٣٨، ٧: ٤٧).

در خصوص تبعیت وهابیت از عمل صحابه نیز باید یادآور شد که اگر از عمل برخی صحابه در اقتدا به حاکم نامشروع وقت چنین نتیجه‌گیری شود که از هر حاکمی ـ ظالم یا عادل ـ باید تبعیت کرد، این پرسش مطرح می‌شود که چرا عبدالله بن عمر خلافت عثمان را پذیرفت، اما خلافت حضرت علی(ع) و امام حسن(ع) را نپذیرفت؟ چرا برخی از صحابه با حضرت علی(ع) بیعت نکردند؟ بنابراین عمل صحابه همواره نمی‌تواند حجت باشد و حجیت آن، ضوابط و شرایطی دارد و صرف صحابی بودن کافی نیست.

با توجه به دیدگاه‌های وهابیت در خصوص حاکمان و وجوب اطاعت از آن‌ها، خاندان آل شیخ (خاندان ابن عبدالوهاب) از نفوذ عقیدتی خویش در جامعه اغلب به صورتی ابزاری و به سود آل سعود بهره می‌گیرند، لذا از جایگاه قابل توجهی در عرصه قدرت برخوردار بوده و جناح مذهبی در عربستان بعد از شاهزادگان سعودی دومین جناح کشور به حساب می‌آید. عملاً با اعطای مشروعیت از سوی وهابیت به خاندان سعودی، حاکمان نیز آن‌ها را از مواهب مادی و معنوی بهره‌مند ساخته و فراتر از نقش یک نهاد دینی، سهمی از قدرت در سطوح بالای نظام از جمله وزارتخانه‌های دادگستری، حج و شئون اسلامی، اوقاف، و دعوت و ارشاد را به آن‌ها واگذار کرده‌اند. همچنین علاوه بر تشکیلات مذهبی حکومتی، سازمان‌های گسترده داخلی در رابطه با امور مذهبی تحت هدایت وهابیون درباری تشکیل شده است که هیئت امر به معروف و نهی از منکر، کبار العلماء، المجلس الأعلی للشئون الاسلامیهٔ و دانشگاه‌های دینی دولتی از جمله آن‌هاست. علاوه بر آن با گسترش نفوذ وهابیت در خارج کشور از طریق «رابطهٔ العالم الاسلامی»، حمایت از فعالیت دانش‌آموختگان وهابی و...، در عرصه‌های فراملی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

نیز دست به توجیه اقدامات آل سعود می‌زنند.

در این راستا رژیم سعودی نیز با حمایت از فعالیت آن‌ها در عرصه خارج کشور، به دنبال صدور ایدئولوژی وهابیت در تمام نقاط دنیاست که از جمله مهم‌ترین اقدام آن‌ها تشکیل، پرورش یا حمایت مالی گروه‌های تکفیری در کشورهای مختلف بوده است.

افراط گرایان وهابی با حمایت عربستان، برای تبلیغ عقاید و اندیشه‌های خود، در سفر به کشورهای مختلف، از طریق برنامه–هایی همچون ساخت و نفوذ در مساجد، بورسیه تحصیلی، ایجاد سازمان‌های خیریه، جریانات مذهبی، انتشارات و ... به فعالیت پرداخته و یکی دیگر از راه‌های مهم در تبلیغ وهابیت، نفوذ آنان در تشکیلات روحانیان و مفتیان کشورهای گوناگون است؛ به گونه‌ای که امامان جماعت و شخصیت‌های مذهبی، بلندگوی وهابیت به شمار آمده و قدرت برتر در مناطق اسلامی به امام جماعت انتقال می‌یابد و او نیز تلاش می‌کند از منظر ساختار سنتی منطقه و حتی سطح کشور به اقدامات و رسالت خود مشروعیت بخشد. ذکر این نکته ضروری است که سعودی‌ها برای ترویج وهابیت در نقاطی که با مقاومت کمتری مواجه می‌شدند؛ فعالیت بیشتری داشته و از آنجا که اندیشه‌های سلفی برای مردم عوام جذابیت‌های ظاهری از جمله بازگشت به سده‌های اولیه اسلام و □دارد، لذا مسلمانان مأیوس‌شده از تفکرات غربی به‌راحتی جذب این فضا شده و در نهایت همه این افراد می‌توانند توجیه‌گر رفتارهای آل سعود در سراسر دنیا باشند.

۴. نمونه‌های تاریخی توجیه رفتارهای حاکمان آل سعود توسط وهابیون

با توجه به اهمیت نقش توجیه‌گر عقیده وهابیت، شیوخ وهابی جایگاه مهمی در تداوم و استمرار قدرت حاکمان سعودی دارند و حتی برخی از افراد بیش از آنکه نظرشان از سر ایمان باشد، به جنبه‌های سیاسی قضیه نگریسته و عواملی چون ضرورت وجود یک مرکزیت نیرومند در چارچوب عقیدتی اهل سنت و عناوین ثانویه دیگر همچون مصالح سیاسی، نظامی و اقتصادی باعث حمایت آن‌ها از آل سعود است. لذا با اینکه برخی از علمای طرفدار رژیم سعودی در داخل و خارج این کشور نسبت به وابستگی آل سعود به خارجی‌ها، فساد موجود در دربار سعودی و سایر مشکلات مطلع هستند، اما بنا بر مصالح مذکور از آنان طرفداری می‌کنند و یا حداقل سکوتی رضایتمندانه را پیش گرفته‌اند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

در این راستا اکثریت وهابیون درباری برای حفظ جایگاه و امتیازات خود، دست به توجیه اقدامات آل سعود از طریق صدور فتواهای سیاسی می‌زنند؛ تا جایی که حتی اگر زمانی سیاست دولت در تقابل با اعتقادات مذهبی آن‌ها باشد، باز هم به توجیه اقدام آل سعود و حمایت از آن‌ها پرداخته‌اند. کارکرد مشروعیت‌بخشی آن‌ها زمانی قابل ملاحظه و تأمل است که حتی ابزار فتوا برای توجیه برخی از رفتارهای مخالف احساسات عمومی و حساسیت‌های مذهبی توسط دولت به کار گرفته می‌شود.

از گذشته تا حال وهابی‌ها همواره در حمایت از آل سعود به توجیه مواضع متناقض خود ادامه داده‌اند؛ به گونه‌ای که به خواننده چنین القا می‌شود که علمای سلفی «اسلام را تحت انقیاد» خواسته‌های خود درآورده‌اند. از این رو هر چه را که موافق هوا و هوس آنان انجام گیرد، مطلوب شرع دانسته و آن را توحید ناب به شمار می‌آورند (مالکی، ۱۳۸٦: ١٦٦).

در ادامه برای آشنایی بیشتر با مباحث مطرح‌شده، به ذکر برخی نمونه‌های موردی توجیهات وهابیت در حمایت از سیاست‌های آل سعود خواهیم پرداخت.

٤. ١. حکم ارتداد و قتل اخوان

عبدالعزیز بن عبدالرحمن پایه‌گذار دولت سوم آل سعود، از لشکر اخوان برای گسترش سرزمین طی سال‌های ١٩١٦ – ١٩٢٠ بهره گرفته و این گروه به رهبری «فیصل الدویش» در پیروزی‌های آل سعود و تحکیم موقعیت او نقش ارزنده داشتند (الکاتب، ٢٠٠٤: ١١٥ـ ١١٦)، اما بر اثر تعامل عبدالعزیز با نیروهای خارجی به‌خصوص بریتانیا برای تحکیم حکومتش در سال ١٩٢٦، اخوان به مخالفت با وی پرداختند. الدویش درباره علت مخالفت با عبدالعزیز بن سعود می‌گوید: «ما به آنچه که مشایخ سعودی می–گفتند سخت معتقد بودیم، زیرا آن‌ها را واسطه‌ای بین خود و خدا می‌دانستیم، ولی نمی‌دانستیم که آن‌ها واسطه بین ما و انگلیس هستند» (السعید،١٣٦٧: ٤٣).

گروه اخوان با حضور رهبران قبایل مطیر، عتیبه و عجمان (اصلی‌ترین محور ارتش عبدالعزیز) در سال ١٩٢٦ در «ارطاویه» کنفرانسی را ترتیب دادند تا مبارزه خود برای پاسداری از دین و مخالفت با مظاهر کفر را اعلام کنند (ابراهیم، ١٣٨٦: ٣٥ـ ٣٦).

در این کنفرانس آن‌ها عریضه‌ای به شاه نوشتند که در آن عریضه کارهای خلاف شرع عبدالعزیز بن سعود که می‌بایست از آن–ها عدول کند، به ترتیب زیر آمده بود:

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

– فرستادن فرزندش سعود به مصر؛ کشوری که تحت‌الحمایه بریتانیاست؛
– فرستادن فرزندش فیصل به لندن برای جلب حمایت بریتانیا؛
– وارد کردن وسایل شیطانی شامل تلگراف، تلفن و اتومبیل به بلاد اسلامی؛
– گرفتن عوارض گمرگی از مسلمانان نجد؛
– اجازه دادن به قبایل شرق اردن و عراق در فرستادن رمه–هایشان برای چرا در دیار اسلام؛
–ممنوع کردن تجارت با کویت (اخوان متذکر می‌شدند که اگر رعایای کویت کافرند بر او واجب است که علیه آنان اعلام جنگ مقدس کند و چنانچه مؤمن هستند نباید تجارت با آن‌ها منع شود)؛
– تساهل با شیعیان احساء، زیرا از نظر آن‌ها یا باید به وهابیت می‌گرویدند و یا کشته می‌شدند (الیاسینی، ۱۹۹۰: ٦٤).

مخالفت آن‌ها با عبدالعزیز تا جایی شدت گرفت که عبدالعزیز فعالیت آن‌ها را نه تنها مخل نظم و آرامش، بلکه خطری جدی برای حکومت خود دانسته و از آنجا که این حرکت از چارچوب مشروعیت‌بخشی به حکومت آل سعود خارج شده بود، عبدالعزیز از علمای درباری و سران قبایل خواست تا تجمعی برگزار کنند و در این خصوص تصمیم بگیرند.

با مذاکرات صورت‌گرفته از سوی عبدالعزیز، علمای درباری در سال ۱۹۲۹ فتوای اعدام آن‌ها را صادر کردند (فیلبی،۲۰۰۲: ٥٤٠ – ٥٤١). دلایل علمای وهابی برای مقابله با اخوان آن بود که حق دعوت به جهاد منحصر به حاکم بوده و اطاعت از امام و اجرای اوامر وی نیز واجب است که اخوان در این دو زمینه تخطی کرده بودند (ابوعلیهٔ، ۱۹٦۹: ۱٤۸).

در نهایت عبدالعزیز با فتوای علمای وهابی درباری به جنگ اخوان رفت و در سال ۱۹۲۹ در نبرد «سیبیله» آن‌ها را شکست داد (Dekmegian,1985: 138).

٤. ۲. صدور فتوای اعدام مخالفان آل سعود در سال ۱۹٦۷

برخی از افراد مسلمان که در مارس ۱۹٦۷ به دلیل مشارکت در فعالیت‌های بمب‌گذاری از سوی حکومت دستگیر شدند، با فتوای علمای درباری به اتهام «تشویق ساکنان پادشاهی به طرد اسلام و پیروی از لنین به جای محمد(ص)» اعدام شدند (شرارهٔ، ۱۹۸۱،۲۰۲). این در حالی بود که این افراد مسلمان بودند و به بهانه حفظ قدرت آل سعود این فتوا صادر شد.

٤. ۳. صدور حکم اعدام گروه‌های وهابی مخالف آل سعود در سال ۱۹۷۹

در اول محرم ۱٤۰۰ هـ ق (نوامبر ۱۹۷۹م)، حدود ۹ ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

ایران، مخالفان وهابی به رهبری فردی به نام «جهیمان العتیبی» در انتقاد و مخالفت با آل سعود به خاطر فساد اخلاقی خاندان سلطنت، پناه دادن به مشرکان (امریکا) و عدم ترویج توحید در کشورهای همسایه سر به شورش برداشتند و مسجدالحرام را به مدت حدود دو هفته اشغال کردند (ابراهیم، ۱۳۸٦: ۳۸).

انقلابیون در بیانیه خود که به وسیله العتیبی در کعبه قرائت شد، این موارد را خواستار شدند:

– از بین بردن مظاهر فرهنگ و سنت‌های غربی، انتشار فرهنگ و ارزش‌های اسلامی و قطع رابطه با کشورهای استعماری غرب؛

– سرنگونی حکومت سلطنتی موروثی، برقراری حکومت اسلامی، محاکمه خاندان سعود و مصادره اموال آنان؛

– اعلام کافر بودن ملک خالد و خانواده‌اش که خلاف حکم خدا، بر اریکه قدرت نشسته و بر مسلمین حکم می‌رانند؛

– متوقف کردن صادرات نفت به ایالات متحده امریکا به دلیل مواضع خصمانه این کشور نسبت به اسلام و مسلمین و کاهش تولید نفت به نحوی که با نیاز مملکت متناسب باشد و از هدر رفتن بیشتر ثروت ملی جلوگیری کند؛

– اخراج کلیه کارشناسان و مستشاران نظامی خارجی که بر جزیره‌العرب تسلط پیدا کرده و همچنین برچیدن پایگاه‌های نظامی امریکایی (آقایی، ۱۳٦۸: ۸۹ – ۹۰).

در این موقعیت که ملک خالد پادشاه عربستان از همه نظر درمانده شده بود، از علمای وهابی به ریاست «بن باز» برای ورود گروه‌های نظامی به منظور سرکوب جهیمان العتیبی و هوادارانش درخواست فتوا کرد (الرشید، ۲۰۰۵: ۲۰۱ – ۲۰۲).

چتربازان فرانسوی با اجازه خاص علمای وهابی وفادار به رژیم سعودی، وارد مسجدالحرام شدند، مسجد را آب انداختند و با کشتن شورشیان به وسیله برق قضیه را به اتمام رساندند (ابوریش، بی تا: ۱۱۸).

این در حالی است که در اسلام ورود کفار به شهر مکه و همچنین مساجد حرام است، چه رسد به مسجدالحرام. با اینکه کشتن کوچک‌ترین حیوانات و ریختن خون در خانه خدا حرام است، اما از دیدگاه وهابیت درباری این حرمت برای حفظ قدرت خاندان آل سعود،

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

توجیه شرعی پیدا می‌کند.

٤. ٤. مشروعیت‌بخشی به استقرار نیروهای امریکایی در خاک عربستان

پس از حمله عراق به کویت، بن لادن در برابر تهدید نیروهای عراقی علیه سرزمین عربستان به ملک فهد پیشنهاد کمک مجاهدین را داد، اما با مخالفت وی مواجه شده و ملک فهد به جای آن، اجازه ورود نیروهای امریکایی و متحدان به خاک عربستان را صادر کرد (Jehl, 2001: 27 Dec). با استقرار نیروهای امریکایی در خاک عربستان به منظور عملیات علیه عراق و آزادسازی کویت، جامعه سنتی و بسته عربستان یکباره با حضور سربازان و مستشاران زن و مرد امریکایی در شهرها روبه‌رو شد. رفتار نظامیان امریکایی حساسیت قابل‌توجهی را در جامعه سعودی از خود باقی گذاشت. این موضوع «اهانت به مقدسات و طرح غربی برای کنترل اعراب و مسلمانان» (Wright, 2002: 16September) تلقی شد و موجی از حساسیت عمومی و سپس اعتراضات جمعی را در کشور عربستان ایجاد کرد.

به منظور حل این معضل ملک فهد از «بن باز» درخواست «صدور فتوای جهاد علیه صدام حتی با گرفتن یاری از کفار» را مطرح کرد(الرشید، ۲۰۰۵:۲۳۱). هنگامی که روحانیت رسمی اقدام به صدور فتوا برای توجیه حضور سربازان ایالات متحده در خاک عربستان کرد، در مقابل برخی از رهبران روحانی وهابی حضور سربازان امریکایی در میهن خود و توجیه آن با استفاده از فتوای مذهبی را محکوم دانسته و فهد را به دلیل رفتارهای شخصی، روش حکومت کردن و نیز سیاست‌های داخلی و خارجی، به انحراف از صراط مستقیم دین اسلام، محکوم کردند. اما پس از اعتراض شدید آن‌ها به حاکمیت، خاندان آل سعود با تکیه بر فتوای علمای درباری، چهره‌های بارز مخالف را دستگیر و روانه زندان کرد.

٤. ٥. جواز صلح با اسرائیل

پس از تحولات جنگ دوم خلیج فارس که عربستان امنیت شکننده-ای داشت و حمایت امریکا باعث حفظ قدرت شده بود، با رایزنی امریکا یک هیئت ده نفره از رهبران جامعه یهودیان امریکا در اکتبر ۱۹۹٤ به ریاست «آبراهام فاکسمن» (Abraham Faksman) به مدت پنج روز از عربستان سعودی دیدار و با تنی چند از مقامات سعودی از جمله وزیر امور خارجه این کشور ملاقات کردند. به گزارش رادیو امریکا این هیئت برای نزدیک کردن روابط اسرائیل و عربستان به ریاض سفر کردند. مقامات آل سعود نیز برای حل مشکلات

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

احتمالی از رهبران وهابی درخواست حکم شرعی کردند و «بن باز» مفتی وقت عربستان در این خصوص گفت: «در صورتی که ولی امر در آن (صلح با اسرائیل) مصلحتی ببیند، ترک مخاصمه همیشگی یا موقت جایز است، اسرائیل اکنون دشمن به حساب نمی‌آید و صلح با آن جایز است » (سلیمانی، ۱۳۷۹: ۱۸۸).

٤. ٦. حرمت انتخابات

از آنجا که در عربستان تمامی اعضای شورای بیعت (هیئة البیعة) و مجلس شورای خاندان حاکم (مجلس الاسرة المملکة السعودیة) از سوی پادشاه منصوب شده و مردم هیچ نقشی در انتخاب آن‌ها ندارند، عطف به تحولات کشورهای عربی سال ۲۰۱۲، اعتراضاتی در عربستان مبنی بر برگزاری انتخابات صورت گرفت.

در پی این اعتراضات، مفتی وهابی «شیخ عبدالرحمن بن ناصر البراک» در توجیه سیستم بسته سیاسی و سلطنت استبدادی در این کشور، «برگزاری انتخابات را حرام دانسته و آن را تشبّه به کفار نامید. با این استدلال که انتخابات برای تعیین اعضای مجلس شورا یا هر مجلس دیگر توسط کفار به کشورهای اسلامی وارد شده و حرام است، چون انتخابات باعث می‌شود رأی عالم، جاهل، زن و مرد با هم برابر باشد که این امر با عقل و شرع تعارض دارد. بر مبنای شرع، رهبر را باید اهل حلّ و عقد و افراد دارای شأن و منزلت انتخاب کنند، نه عامه مردم» (abna.co).

٤. ٧. حرام شمردن عریضه‌نویسی توسط اصلاح‌طلبان

حکومت عربستان از نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ به این سو، با چالش–های سیاسی و انتقاداتی جدی از سوی طبقه متوسط جدید مواجه بوده و در چند دهه اخیر افراد، گروه‌ها و فعالان مدنی و سیاسی طبقه متوسط به‌عنوان مهم‌ترین منتقد و اپوزیسیون حکومت سعودی ظاهر شده‌اند (اشرف نظری و قنبری، ۱۳۹۳: ۱۷۷).

برخی از گروه‌های سیاسی مذکور در عربستان در قالب «عریضه–نویسی» درخواست‌های خود را برای حل معضلات و تغییر در ساختار قدرت این کشور برای شاه عربستان نوشته و همچنین آن را به صورت عمومی منتشر کردند که از جمله مهم‌ترین عریضه‌نویسی‌ها عبارتند از:

– **دسامبر ۱۹۹۰:** درخواست ٤۳ نفر از دانشگاهیان، نویسندگان و بازرگانان با رویکرد لیبرال و سکولار خطاب به ملک فهد برای تدوین و تصویب قانون اساسی، تحقق شورای مشورتی و ایجاد چارچوبی برای صدور فتوا؛

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

– **مه ۱۹۹۱:** ارسال نامه از سوی بیش از ٤۰۰ اسلام‌گرا به شاه فهد به منظور اصلاحات فوری سیاسی– قضایی؛

– **ژوئیه ۱۹۹۲:** طومار رهبران شیعه برای شاه به منظور تشکیل شورای مشورتی و توقف تبعیض علیه شیعیان؛

در دهه اول قرن ۲۱ نیز تحت تأثیر حوادثی همچون ۱۱ سپتامبر، اشغال افغانستان و ایجاد ساختار جدید قدرت در عراق که فشار به آل سعود برای انجام اصلاحات شدت گرفت، عریضه‌های بسیاری توسط گروه‌های مختلف عربستانی به دولت ارائه شد که مهم‌ترین آن‌ها در ژانویه ۲۰۰۳، آوریل ۲۰۰۳، سپتامبر ۲۰۰۳ و مارس ۲۰۰٤ بوده است.

اصلاح‌طلبان در این طومارها مطالباتی را مطرح کردند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: اعطای قدرت قانونگذاری، کنترل شورای مشورتی، انتخاب آن به‌عنوان نهادی منتخب، ایجاد نظام قضایی مستقل، آزادی بیان، تأسیس نهادهای جامعه مدنی، توزیع عادلانه ثروت میان مناطق مختلف کشور، مقابله با فساد، رشوه و سوءاستفاده از قدرت و مناصب رسمی (واعظی و اسدی، ۱۳۸۹: ۲۲۸ – ۲۳۱).

با توجه به تندتر شدن درخواست‌های اصلاح‌طلبان سیاسی در طول زمان، آل سعود از ترس زیر سؤال رفتن مشروعیت نظام سیاسی خود، دست به دامان نهاد رسمی دینی شد و علمای سنتی نیز عریضه‌ها را «خلاف قوانین الهی» دانسته و آن را محکوم کردند (روزنامه ایلاف، ۲۰ ژانویه، ۲۰۰۳).

علاوه بر تمایل علمای درباری برای حفظ قدرت خاندان آل سعود، در واقع فلسفه اصلی حرام شمردن عریضه‌نویسی و درخواست–های اصلاح‌طلبان، ترس از تأثیر اصلاحات بر کاهش نفوذ وهابیت در این کشور است. در این زمینه «حمزه الحسنی» یکی از مخالفان نظام سعودی بر این باور است: «اصلاحات سیاسی ابتدا باعث کاهش اقتدار و خودمختاری نهادهای مذهبی شده و سپس کمرنگ شدن ویژگی‌های مذهبی دولت را به دنبال دارد. اصلاحات حالت تفوق و تک‌صدایی عقاید وهابیت را ضعیف می‌کند و ظهور تکثرگرایی را به دنبال دارد»(al-Hasan, 2004: 2 December).

٤. ۸. حرمت شرعی تظاهرات

تحولات خاورمیانه در سال‌های اخیر عربستان سعودی را در محاصره دگرگونی‌هایی از

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

جمله سرنگونی متحدان، تضعیف جایگاه این کشور و چالش مشروعیت داخلی و منطقه‌ای قرار داده؛ تا جایی که محیط داخلی و پیرامونی این کشور، از نظر امنیتی و سیاسی به‌شدت متأثر شده و در کنار تحولات بیداری اسلامی، در بزرگ‌ترین چالش امنیتی و سیاسی منطقه‌ای عربستان، سعودی‌ها نظاره‌گر کامیابی‌های منطقه‌ای رقیب ایدئولوژیک و سیاسی خود، یعنی ایران بودند (میرزائی، حمایتیان و خواجوئی، ۱۳۹۳: ۱۷۱).

در این راستا معارضین عربستانی با تبلیغات گسترده مردم را به برگزاری روز خشم در ۱۱ مارس ۲۰۱۲ دعوت کرده و همچنین طومارهایی از سوی روشنفکران، فعالان سیاسی لیبرال و اسلام–گرایان سلفی در کشور منتشر و به مقامات سعودی ارائه شد. در این طومارها اصلاحاتی درخواست شد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت بودند از: شکل‌گیری پارلمان با قدرت کامل قانونگذاری، استقلال قوه قضایی، آزادی بیشتر برای ایجاد نهادهای جامعه مدنی، تضمین آزادی بیان، آزادی زندانیان سیاسی و تلاش‌های گسترده برای ریشه‌کن کردن فساد اداری (Gregory Gause, Dec 2011: 9 - 10).

نهادهای مذهبی وابسته به رژیم، اقداماتی را برای کنترل خواسته‌های معترضان و ممانعت از شدت اعتراضات انجام دادند. از جمله آنکه ابتدا مفتی اعظم شیخ عبدالعزیز آل شیخ بزرگ–ترین مقام مذهبی این کشور، تظاهرات در کشورهای عربی را محکوم کرده و آن را «اقدامات مخرب موجب هرج و مرج و توطئه–ای از سوی دشمنان اسلام» برشمرد. همچنین در ٦ مارس ۲۰۱۱ که در عربستان سعودی به‌عنوان روز خشم اعلام شد، شورای کبار العلماء به‌منزله اصلی‌ترین نهاد مذهبی این کشور بیانیه‌ای درباره ممنوعیت شرعی تظاهرات در عربستان صادر کرد (Ibid: 7 - 8).

به این ترتیب وهابیون درباری با این اقدام مشروعیت اعتراضات را زیر سؤال برده و با توجه به این وضعیت، عملاً حکومت آل سعود به حربه شرعی برای مقابله با گروه‌های مخالف دست یافت.

٤. ۹. توجیه فاجعه منا

در موسم حج سال ۲۰۱۵ که بر اثر بی‌تدبیری آل سعود در اداره حرمین شریفین، چند هزار حاجی از کشورهای مختلف در منا کشته شدند، با وجود ناتوانی حاکمان سعودی در مدیریت این بحران، شیخ عبدالعزیز بن عبدالله آل الشیخ مفتی اعظم و رئیس هیئت علمای عربستان

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

سعودی در دیداری که پس از این حادثه با «محمد بن نایف بن عبدالعزیز» ولیعهد عربستان سعودی داشت، با تمجید از خاندان سلطنتی و اداره حرمین شریفین گفت: بسیاری از کشورها به خاطر دین، حکومت و اقتصاد عربستان به پادشاهی این کشور حسادت کرده و شما در حادثه‌ای که رخ داده مسئول نیستید، زیرا تمام آنچه در اختیار و توان داشتید ارائه کردید، اما در مورد این حادثه کاری از عهده انسان برنمی‌آید، چون «قضا و قدر» بوده که انسان در آن نقش نداشته و به هر حال رخ می‌داد (بی بی سی فارسی، ٤ مهر ١٣٩٤).

وهابیت با توجیه فاجعه مذکور درصدد برآمدند تا این نکته را برجسته کنند که دولت عربستان هیچ تقصیری در این زمینه نداشته و بی‌کفایتی مقامات عربستانی در مدیریت مراسم حج را در میان کشورهای اسلامی در قالب قضا و قدر الهی توجیه‌پذیر جلوه دهند.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

نتیجه‌گیری

با توجه به پیوند تاریخی آل سعود با علمای وهابی، حمایت وهابیت از ساختار قدرت موجود، از دلایل اصلی استمرار/تداوم قدرت در عربستان سعودی محسوب می‌شود و در مقابل دولت نیز به ازای استفاده از وهابیت (مشروعیت‌بخشی به حکومت)، آن‌ها را از مواهب خود بهره‌مند می‌کند.

وهابیت بر مبنای اصل استیلاء و حرمت قیام علیه حاکم، مبتنی بر تفکرات ابن تیمیه و اجرای محمد بن عبدالوهاب در عربستان، این ایده را ترویج می‌کند که پادشاه نماینده اراده خدا در قلمرو سیاسی، حامی و مدافع اسلام و حرمین شریفین، مجری حدود اسلام، منشأ خیر و برکت برای مردم بوده و فرمانش بر همگان لازم الاطاعهٔ است.

با توجه به اینکه وهابیت در جامعه سعودی، هر گونه مخالفت با رژیم سعودی را مخالفت با ولی امر و در نتیجه هم‌طراز با کفر دانسته و جامعه را از آن نهی می‌کند و از این طریق به تضعیف و حذف رقبای آل سعود کمک می‌کند، در مقابل آل سعود نیز با بهره‌گیری از ابزارها و امکانات قهری و تشویقی خویش، هر گونه رقیب داخلی وهابی شامل اهل سنت غیرحنبلی، شیعیان و سایر رقبای غیروهابی که مشروعیت گفتمان وهابی را در جامعه سعودی به چالش بکشد، از صحنه حذف می‌کند.

از آنجا که خاندان آل شیخ (وهابیت) از نفوذ خویش در جامعه به سود آل سعود بهره می‌گیرند، در ازای اعطای مشروعیت، فراتر از نقش یک نهاد دینی، سهمی از قدرت را در سطوح بالای نظام داشته و علاوه بر تشکیلات مذهبی حکومتی، وهابیت با حمایت آل سعود سازمان‌های گسترده داخلی را در رابطه با امور مذهبی و گسترش آیین وهابیت تشکیل داده و مازاد بر آن با گسترش نفوذ وهابیت در خارج کشور از طریق «رابطهٔالعالم الاسلامی»، حمایت از فعالیت دانش‌آموختگان وهابی، تقویت گروه‌های افراطی و...،در عرصه‌های فراملی نیز دست به توجیه اقدامات آل سعود می‌زنند.

با توجه به اهمیت آل سعود برای گسترش وهابیت، برخی از متفکران وهابی دولت آل سعود، بیش از آنکه نظرشان از سر ایمان باشد، به حفظ جایگاه و امتیازات خود در ساختار قدرت اندیشیده و حتی با وجود آنکه برخی از علمای طرفدار رژیم سعودی در داخل و خارج این کشور از وابستگی آل سعود به کفار، فساد موجود در میان درباریان سعودی و سایر

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

مشکلات حکام سعودی مطلع هستند، بنا بر ضرورت پذیرش و احترام نسبت به قدرت فائقه از آنان طرفداری می‌کنند و یا حداقل سکوتی رضایتمندانه را پیش گرفته‌اند. در این راستا اکثریت وهابیون درباری در طول چند دهه گذشته دست به توجیه اقدامات آل سعود از طریق صدور فتواهای سیاسی زده و حتی اگر سیاست دولت در تقابل با اعتقادات مذهبی آن‌ها باشد، باز هم به توجیه اقدام آل سعود می‌پردازند.

کارکرد مشروعیت‌بخشی وهابیت زمانی قابل تأمل است که ابزار فتوا برای توجیه آن دسته از اعمال دولت که مخالف احساسات عمومی و حساسیت‌های مذهبی است، به کار گرفته می‌شود. با توجه به توجیه برخی مواضع متناقض آل سعود با شرع از سوی وهابیت، به خواننده چنین القا می‌شود که علمای وهابی «اسلام را تحت انقیاد» خواسته‌های خود درآورده‌اند و لذا هر وقت ضرورت ایجاب کند، فتوایی در جهت حفظ قدرت حاکمان سعودی صادر می‌کنند.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

منابع

الف. فارسی

آقایی، داود، سیاست و حکومت در عربستان سعودی، تهران، نشر کتاب سیاسی، ۱۳٦۸.

ابراهیم، فؤاد، شیعیان عربستان، ترجمه سلیمه دارمی و فیروزه میررضوی، تهران، ابرار معاصر، تهران، ۱۳۸٦.

ابراهیمی، محمدحسین، تحلیلی نو بر عقاید وهابیان، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۸.

ابوریش، سعید.ک، آل‌سعود و انتفاضهٔ الحرم، جزوه سازمان انقلاب اسلامی جزیره‌العرب، تهران، بی تا.

اشرف نظری، علی و لقمان قنبری، «شکاف‌های فرهنگی و منازعات ایدئولوژیک در کشورهای عرب خاورمیانه با تأکید بر تحولات سیاسی ۲۰۱۰-۲۰۱٤»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ٤، شماره ٤، زمستان ۱۳۹۳.

السعید،ناصر، خاندان سعودی را بشناسیم، ترجمه ابومیثم، تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳٦۷.

جابری، محمد عابد، عقل سیاسی در اسلام، ترجمه عبدالرضا سواری، تهران، نشر نی، ۱۳۸٤.

جعفری، حسن و محمد بهرامی خوشکار، « جریان‌شناسی گروه‌های تکفیری انحرافی در اسلام»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ٤، شماره۳، پاییز ۱۳۹۳.

سلیمانی، محمدباقر، بازیگران روند صلح خاورمیانه، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۹.

شهرستانی، محمد بن عبدالکریم،الملل والنحل، ترجمه افضل-الدین صدر ترکه اصفهانی، تهران، نشر اقبال، ۱۳۲۱.

شیخ‌الاسلامی، محمدحسن و حمید سرادر، «الگوی مذهبی در دیپلماسی فرهنگی عربستان: موردکاوی سازمان رابطه العالم الاسلامی»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال۲، شماره٤، زمستان ۱۳۹۱.

طاهری، سید مهدی، رساله دکتری علوم سیاسی با عنوان «علل تداوم قدرت رژیم پادشاهی عربستان سعودی»، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۳.

فیض‌الاسلام، سید علی نقی، نهج‌البلاغه، قم، دارالفکر، ۱۳۸۵.

قرآن کریم.

میرزائی، جلال،احسان حمایتیان و محمدحسن خواجوئی، تأثیر تحولات بیداری اسلامی بر روابط جمهوری اسلامی و عربستان سعودی، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال٤، شماره۲، زمستان ۱۳۹۳.

هوشنگی، حسین و احمد پاکتچی، بنیادگرایی و سلفیه: بازشناسی طیفی از جریان‌های دینی، تهران، دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۰.

واعظی، محمود و علی‌اکبر اسدی، شورای همکاری خلیج فارس: سیاست خارجی و روندهای داخلی، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۹.

کریم زاده، پروانه، وهابیت در بوته نقد، تهران، دارالفکر، ۱۳۸۵.

مالکی، حسن بن فرحان، مبلغ نه پیامبر، ترجمه سید یوسف مرتضوی، قم، نشر ادیان، ۱۳۸٦.

ب. عربی

ابن تیمیه، السیاسهٔ الشرعیهٔ فی اصلاح الراعی و الراعیهٔ، بیروت، دار ابن هزم، ۲۰۰۳.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

ابن حزم، الفصل فی الملل و الأهواء والنحل، بغداد، مکتبهٔ المثنی، ۱۳۸۸.
ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایهٔ و النهایهٔ، بیروت، دارالفکر،۱٤۰۷.
ابن هشام، أبو محمد عبدالملک، السیرهٔ النبویهٔ، تحقیق السقا والشلبی، مطبعهٔ الحلبی، ۱۳۵۵.
ابوعلیهٔ، عبدالفتاح، من محاضرات فی تاریخ الدوله السعودیهٔ الاولی، ریاض، الانوار للنشر و التوزیع، ۱۹٦۹.
البیضاوی، ناصرالدین، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، بیروت، دارالکتب العلمیهٔ، ۱٤۲۹.
الترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی: کتاب الفتن، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱٤۲٦.
الرازی، محمد فخرالدین، التفسیر الکبیر، مصر، المطبعهٔ البهیهٔ، ۱۹۳۸.
الرشید، مضاوی، تاریخ العربیهٔ السعودیهٔ بین القدیم و الحدیث، بیروت، دارالساقی، ۲۰۰۵.
الزمخشری، أبوالقاسم محمود بن عمرو بن أحمد، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، مصر، مطبعهٔ الاستقامهٔ، بی تا.
الفراء، محمد بن الحسین أبویعلی، الأحکام السلطانیهٔ، مصر، مطبعهٔ الحلبی، ۱۹٦۰.
الکاتب، احمد، الفکر السیاسی الوهابی، بیروت، دارالشوری للدراسات و الاعلام، ۲۰۰٤.
الماوردی، أبی الحسن علی محمد، الأحکام السلطانیهٔ، مصر، مطبعهٔ الحلبی، ۱۹٦۰.
المعتزلی، ابن أبی الحدید، شرح نهج‌البلاغه، بیروت، دارالکتب العلمیهٔ، ۱۹۹۸.
الیاسینی، أیمن، الدین و الدولهٔ فی المملکهٔ العربیهٔ السعودیهٔ، لندن، دارالساقی، ۱۹۹۰.
أبو زهرهٔ، محمد، المذاهب الإسلامیهٔ، مصر، المطبعهٔ النموذجیهٔ، ۱۹٤۸.
جریده ایلاف، ۲۰ ژانویه ۲۰۰۳.
شرارهٔ، وضاح، الأهل الغنیمهٔ: مقومات السیاسهٔ فی المملکهٔ العربیهٔ السعودیهٔ، بیروت، دارالطلیعهٔ للطباعهٔ و النشر،۱۹۸۱.
عبدالحمید، صائب، ابن تیمیهٔ فی صورتهٔ الحقیقهٔ، بیروت، الغدیر للدراسات و النشر، ۱۹۹۵.
عبدالفتاح، ابوعلیهٔ، من محاضرات فی تاریخ الدوله السعودیهٔ الاولی، ریاض، مؤسسه الانوار للنشر و التوزیع، ۱۹٦۹.
فؤاد، حمزه، قلب جزیرهٔ العرب، ریاض، مکتبهٔ النصر الحدیثهٔ، ۱۹٦۸.
فیلبی، هاری سانت جون، العربیهٔ السعودیهٔ، ریاض، مکتبهٔ العبیکان، ۲۰۰۲.
کشیشیان، جوزیف. ا، الخلافهٔ فی العربیهٔ السعودیهٔ، بیروت، دارالساقی، ۲۰۰۳.

ج. انگلیسی

al-Hasan, Hamza,"General Observations on Political Reforms in Saudia Arabia", House of Lords, Thursday, December 2, 2004.

Dekmegian, R. Hair, Islam in Revoluion: Fundamentalism in the Arab World, Syrecuse University press, 1985.

Gregory, F. Gause, "Saudi Arabia in the New Middle East" Council Special Report, no 63, Council on Foreign Relations (CFR), Dec. 2011.

Jehl, Douglas, "A Nation Challenged: Saudi Arabia; Holy War Lured Saudis As Rulers

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

Looked Away", New York Times, 27 Dec 2001.

Wright, Lawrence, "The Man Behind Bin Laden," The New Yorker, 16 September 2002.

د. سایت‌ها

http://abna.com

www.bbc.com/persian

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۶۰۱۰۴

به این مقاله این‌گونه استناد کنید:

طاهری، سید مهدی، احمدوند، شجاع (۱۳۹٤)، «وهابیت و استمرار حاکمیت آل سعود » *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س۵، ش٤، زمستان ۹٤، صص ۸۷-۱۱۱ .

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]